



فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان

عهدیه اسدیپور^۱ و منصوره اعظم آزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱

چکیده

فراتحلیل حاضر، درصدد تحلیل مجدد مجموعه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با کودکان کار و خیابان و برشمردن نقاط ضعف و قوت آن‌ها است. مطالعه‌ی حاضر، با تلخیص آماری تحقیقات پیشین در حوزه‌ی کودکان کار و خیابان، به دنبال یک برآورد کلی از اثر عوامل مؤثر بر این متغیر مورد نظر است. بدین ترتیب، این مطالعه با استفاده از روش تحقیق فراتحلیل صورت پذیرفته است و جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کلیه‌ی مطالعات معتبر علمی هستند که در طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۸ با موضوع کودکان کار و خیابان به چاپ رسیده‌اند. در نهایت، ۱۵ سند انتخاب شد که جهت انجام فراتحلیل مناسب بوده‌اند و استفاده از نرم‌افزار فراتحلیل (سی‌ام‌ای^۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج و تحلیل یافته‌های حاصل از ترکیب شدت اثر، نشان می‌دهد که متغیرهای سطح تحصیلات و اعتیاد به مواد مخدر والدین به ترتیب با اندازه‌ی اثرات ترکیبی معادل ۰/۶۱۴ و ۰/۵۴۱ در حد متوسط بر میزان کار کودکان و خیابانی-شدن آن‌ها اثرگذار بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: کودکان کار و خیابان؛ فراتحلیل؛ اعتیاد والدین؛ سطح تحصیلات والدین.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)،
ahdiehasadpour7503@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)، m.azadeh@alzahra.ac.ir.

۱- مقدمه و بیان مسأله

اهمیت دادن به موقعیت کودک و دوران کودکی، پدیده‌ای مدرن و به دوران معاصر مربوط است. در رویکرد معاصر به دوران کودکی، بین کودک و بزرگسال از طریق قائل شدن نقش و مسئولیت اجتماعی برای یکی و عدم نیاز به مسئولیت‌پذیری دیگری، تفاوت قائل می‌شویم. با وجود این که، هیچ فردی در دوران کودکی نسبت به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی به ویژه مسئولیت‌های سنگینی همچون برعهده داشتن شغل و کار ملزم نیست، اما در سطوح مختلف اجتماعی مشاهده می‌کنیم که برخی از کودکان درگیر فعالیت‌های اقتصادی و شغلی می‌شوند. پدیده‌ای که در عرصه علوم اجتماعی از آن به عنوان یک مسئله اجتماعی یاد می‌شود. چرا که کودکان کار و خیابانی از آن دسته کودکانی هستند که با حداقل بهره‌وری از امکانات معیشتی، تحصیلی و بهداشتی، هر روز ساعات زیادی را در خیابان‌ها پرت می‌زنند. امری که سلامت و امنیت آن‌ها را تهدید می‌کند.

در جوامع صنعتی، جایگاه کودکان هرچه که در نظر گرفته شود، معمولاً هیچ نوع جایگاهی در فرایند کار برای آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. بازی و یادگیری، تمام چیزی است که کودکان قرار است در این جوامع انجام دهند؛ اما به طور کلی بازی و یادگیری را «کار» قلمداد نمی‌کنند (جیمز و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴۴). نویسندگان مزبور، در کتاب جامعه‌شناسی دوران کودکی، فصلی با عنوان «کودکان کارگر» تدوین نموده و مطرح می‌کنند که در جوامع صنعتی، کار کردن هر کودک (در کارهای مزدبگیری یا در کارهای پرستاری و خانه‌داری) یک انحراف، کار غیراخلاقی یا هتک حرمت کودک تلقی می‌شود؛ اما از مدت‌ها قبل، در کشورهای در حال توسعه، کودکان در کارهای مختلف به کار گرفته می‌شوند و کار گماشته شده بر عهده‌ی آن‌ها دارای تنوعی گسترده و خصوصیات پیچیده نیز هست: کار خانگی از قبیل؛ تمیز کردن خانه، تهیه‌ی غذا و مراقبت از خواهران و برادران کوچک‌تر؛ کار برای امرار معاش در مزارع یا مغازه‌ها که از این راه کالاهایی به دست می‌آورند که می‌توان آن‌ها را در بازار با کالاهایی دیگر مبادله کرد، کار به عنوان شاگرد که کودک را ملزم می‌دارد هنگام یادگیری یک هنر یا حرفه در خانه‌های دیگران کار و زندگی کند و به عنوان برده یا نیروی کار پیمانی که به دیگران فروخته می‌شوند و برای منافع آن‌ها کار می‌کنند، به عنوان گداهایی که برای خودشان یا به عنوان بخشی از یک گروه، خواه خانواده، گروه یا باند باشد در خیابان‌ها کار می‌کنند؛ خواه به عنوان کارگرانی که در مزارع، کارخانه‌ها یا مغازه‌ها کار می‌کنند و حقوق می‌گیرند (جیمز و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴۸-۲۴۷).

با این حال، نمی‌توان گفت در دنیای توسعه‌یافته (شمال) کار کودک به طور قطعی از بین رفته است؛ بلکه در این کشورها نیز مواردی از کودکان کارگر هنوز به چشم می‌خورند. اما در

جوامع جنوبی و در حال توسعه، تعداد کودکان مشغول به کار بیشتر و محسوس تر است؛ مشارکت آن‌ها در کار تولیدی رایج‌تر و اهمیت آن نیز تا حدی با اهمیت این مشارکت در کشورهای صنعتی تفاوت دارد. در همین راستا، توجه به داده‌های آماری موجود در این زمینه در جامعه‌ی ایرانی ضروری است. داده‌های موجود در این زمینه را نیز می‌توان «متقاض» و «دور از هم» یا حتی «بسیار دور از هم» توصیف کرد. با این وجود، نگاهی گذرا به همین داده‌های ضد و نقیض هم می‌تواند تا حدی وضعیت ایران را نمایان سازد. در گزارش‌های غیررسمی، تعداد کودکان کار ایرانی بین سه تا هفت میلیون نفر اعلام شده است^۱. از منظر داده‌های رسمی نیز باید گفت در گزارش‌های تفصیلی مرکز آماری ایران هیچ اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت اشتغال کودکان زیر ۱۰ سال وجود ندارد. اما در سال ۱۳۹۶ مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان مرجعی رسمی، گزارشی از وضعیت کودکان کار ایرانی ارائه داده است که در آن تعداد کودکان ۶ تا ۱۹ ساله حدود ۱۶ میلیون نفر بوده است. بررسی وضعیت فعالیت کودکان ۱۰-۱۷ ساله کشور در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که از حدود ۹ میلیون کودک، حدود ۴۹۹ هزار کودک فعال (شاغل و در جست‌وجوی کار) هستند که نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ با افزایش روبه‌رو بوده است. از میان این کودکان، حدود ۴۱۰ هزار کودک شاغل و ۸۹ هزار کودک در جست‌وجوی کار بوده‌اند که نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ کودکان شاغل به ترتیب ۱۰/۲ و ۱۱/۵ درصد افزایش و کودکان در جست‌وجوی کار در سال ۱۳۹۴ با افزایش ۷ درصدی روبه‌رو بوده است. یافته‌های این پژوهش طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ درباره‌ی وضع فعالیت کودکان، بیانگر این است که بیشتر این کودکان را پسران تشکیل می‌دهند. همچنین، نرخ مشارکت کودکان ۱۰-۱۷ ساله در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۰/۸ درصد و ۰/۲ درصد افزایش داشته است. همچنین برای پسران در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۱۱/۲ درصد و ۰/۵ درصد افزایش مشاهده می‌شود. همین طور برای دختران در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ معادل ۰/۴ درصد و ۰/۱ درصد افزایش داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶، نرخ جست‌وجوی کار دختران بیشتر از پسران ولی نرخ مشارکت اقتصادی پسران در مقایسه با دختران بالاتر بوده است. مطابق برآورد سال ۱۳۹۶، از تعداد ۳۷۸ هزار و ۱۱۹ شاغل ۱۰ تا ۱۷ ساله کشور ۸۲/۳ درصد پسر و ۱۷/۷ درصد دختر هستند که سهم کودکان فوق در گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی «کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری» (۲۹/۳ درصد)، «استخراج معدن» (۰/۳ درصد)، «تولید صنعتی

(ساخت) « (۱۹/۵ درصد)، «تامین برق، گاز بخار و تهویه هوا» (۰/۸ درصد)، «آب رسانی، مدیریت پسماند فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه» (۰/۵ درصد)، «ساختمان» (۱۲/۷ درصد)، و «سایر و اظهارنشده» (۳۷/۸ درصد) است.^۱

بر مبنای تفاوت‌های میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از نظر پدیده‌ی مورد بررسی (کودکان کار و خیابان) و وجود کودکان کار در ایران با توجه به داده‌های آماری موجود، انجام مطالعات محلی دقیق و جزئی و مبتنی بر «متن» لازم و ضروری است. به بیان دیگر، این پدیده، برخلاف شمولیت و عمومیت، دارای ویژگی‌های خاص در هر جامعه است (کیلیراید^۲ و دیگران، ۲۰۰۱؛ اپتکار، ۱۳۸۱) که از یک سو، وجود ریشه‌های فرهنگی در این زمینه را در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی نمایان می‌سازد (ایمانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۱: ۸) و از سوی دیگر، اهمیت انجام مطالعات مختلف در این حوزه را دو چندان می‌کند. امری که پژوهشگران جامعه‌ی ایرانی نیز از آن غافل نبوده‌اند. به نحوی که با جست و جویی کوتاه در زمینه‌ی مطالعات کودکان کار و خیابان در داخل کشور با اطلاعات وسیع و انباشته‌ای در باب ابعاد سبب‌شناختی پدیده‌ی کودکان کار و خیابان مواجه شده است. در این حوزه، به دلیل تعدد تحقیقات موجود و تکرار عوامل مؤثر بر پدیده‌ی کودکان کار و خیابان، یک آشفتگی و ابهام درباره‌ی عامل یا عوامل مهم مؤثر بر پدیده‌ی فوق در کشور وجود دارد. از این رو، در این مطالعه سعی شده است با بررسی دقیق و موشکافانه تحقیقات انجام شده در این زمینه، چکیده و ماحصل آن‌ها به صورت نظام‌مند نشان داده شود تا یک نتیجه‌گیری کلی از عوامل مؤثر بر پدیده‌ی کودکان کار و خیابان در اختیار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد. علاوه بر نکات فوق باید اضافه کرد که در سال‌های اخیر، از سوی مراجع بالادستی برای کاهش، حذف یا ساماندهی کار کودک به عنوان یک معضل اجتماعی، برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی به اجرا درآمده است. از جمله این طرح‌های دولتی، می‌توان به «طرح تجهیز و راه‌انداز مراکز جمع‌آوری، شناسایی و هدایت متکدیان و کودکان خیابانی» با مجری‌گری سازمان بهزیستی و با همکاری نیروی انتظامی و شهرداری در سال ۱۳۷۸؛ «طرح سامان‌دهی ۲۰۰۰۰ کودک خیابانی با مجری‌گری سازمان بهزیستی و با همکاری نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۱»؛ «طرح مهمان‌سرای (پناهگاه) سلامت کودکان خیابانی با مجری‌گری سازمان بهزیستی و با همکاری سمن‌ها در سال ۱۳۸۱»؛ «طرح حمایت از کودکان کار (مرحله‌ی اول کودکان کار خیابانی) با مجری‌گری سازمان بهزیستی و با همکاری سمن‌ها در سال ۱۳۸۲» و «شیوه‌نامه‌ی اجرایی سامان‌دهی کودکان خیابانی با مجری‌گری سازمان بهزیستی و با

1- <http://www.taadolnewspaper.ir/>

2-Kilbride

همکاری نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۴» اشاره کرد. مشکل مشترک و عمومی در تمامی طرح‌های فوق‌الذکر و طرح‌های مشابه در سطوح خرد و کلان این است که برخورد علمی و براساس واقعیت با مسئله‌ی کار کودک و کودکان کار صورت نمی‌پذیرد. به همین دلیل، طرح‌های تنظیم و تدوین شده بعد از مدت زمان کوتاه به فراموشی سپرده می‌شوند و غالباً نیز به شکلی ضربتی و امنیتی با مسئله برخورد می‌شود و نه کودک-محور و از قابلیت ارزشیابی^۱ و قابلیت انعطاف^۲ برخوردار نیستند. ریشه‌ی این نابسامانی را می‌توان در عدم آگاهی و شناخت درست مجریان طرح‌ها از وضعیت کودکان کار و خیابان دانست. باید اذعان نمود که نتایج مطالعاتی همچون مطالعه‌ی پیش‌رو، می‌تواند به تصمیم‌گیری مناسب و کارآمد در زمینه‌ی کودکان کار و خیابان مدد رساند. جهت رسیدن به هدف مزبور، کاربست روش فراتحلیل و اصول و قواعد مرتبط با آن مناسب تشخیص داده شد. چرا که فراتحلیل یک نوع مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته‌های پژوهش‌های مختلفی که روی موضوع واحدی [مانند پدیده‌ی کودکان کار و خیابان] انجام شده است، از روش‌های مختلفی که استفاده می‌شود (کیولیک، ۲۰۰۳ به نقل از قربانی‌زاده و حسن‌نانگیر، ۱۳۹۳: ۲۵). بدین ترتیب، انجام فراتحلیل تنها در حوزه‌ها و موضوعاتی امکان‌پذیر است که حداقل به لحاظ کمی، تعداد تحقیقات در آن، قابل توجه باشد. موضوع «کودکان کار و خیابان» از جمله این موضوعات است. با توجه به نکات اشاره شده‌ی بالا، مطالعه‌ی پیش‌رو درصدد است تا با تحلیل مطالعات موجود در ارتباط با کودکان کار و خیابان و با توجه به متغیرهای اثرگذار بر این متغیر براساس مطالعات پیشین، عوامل مؤثر بر آن بارز گردد. به عبارت دقیق‌تر، در این پژوهش تلاش شد بدین سوال پاسخ داده شود که در تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی کودکان کار و خیابان، چه عواملی بیشترین تأثیر را بر بروز پدیده‌ی کودکان کار و خیابان در ایران دارند؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

کوپر^۳ و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی مراحل اجرای فراتحلیل، اشاره می‌کند که در قسمت پیشینه‌ی تحقیق بیشتر به نظریات و تحقیقاتی اشاره شود که رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی در فراتحلیل را نشان دهند تا خواننده در ابتدا، درک کلی از مهم‌ترین نظریات موجود در این حوزه پیدا کند. در همین راستا، در این قسمت از تحقیق، ابتدا تعریفی از

1- Avaluation
2- Flexibility
3- Cooper

کودکان کار و خیابان ارائه می‌شود و سپس چند نظریه‌ی مهم در در باب پدیده‌ی فوق مطرح می‌گردد.

بررسی مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که اصطلاح «کودکان خیابانی» در معانی متفاوت به کار می‌رود. برخی از محققان و نظریه‌ورزان نیز به ضرورت وجود نوعی «نسبی‌گرایی فرهنگی»^۱ در تعریف مفهوم فوق اذعان داشته‌اند (ادونتنگ کیسی^۲، ۲۰۱۸: ۳۴). سازمان ملل کودکان خیابانی را چنین تعریف نموده است: هر دختر یا پسری را که در خیابان محل سکونت او و منبع معاش او شده است و از حمایت، مراقبت ناقص و ناکافی بزرگسالان برخوردار باشد (اپتکار، ۲۰۰۰: ۳).

در «پروژه‌ی سازمان بهداشت جهانی برای کودکان خیابانی»، چهار گروه برای کودکان خیابانی معرفی شده‌اند که عبارتند از: ۱. کودکانی که در خیابان زندگی می‌کنند و اولین نگرانی آن‌ها، زنده ماندن و داشتن سرپناه است. ۲. کودکانی که از خانواده‌ی خود جدا شده‌اند و به طور موقت، در خانه‌ای متروکه و پناهگاه‌ها زندگی می‌کنند و از منزل دوستی به منزل دوستی دیگر می‌روند. ۳. کودکانی که تماس خود را با خانواده حفظ می‌کنند، ولی به علت فقر و پرجمعیت بودن خانواده یا سوء استفاده جنسی و جسمی از آن‌ها در خانواده، بعضی شب‌ها و بیشتر اوقات روز را در خیابان سپری می‌کنند. ۴. کودکانی که در مراکز ویژه نگهداری می‌شوند؛ اما قبلاً در وضعیت بی‌خانمانی به سر می‌بردند و در معرض خطر بازگشت به همان وضعیت هستند (یونیسف، ۱۹۹۹: ۱۵۶ به نقل از دارابی، ۱۳۸۷: ۱۳).

با مرور منابع مختلف درباره‌ی کودکان خیابانی و جمع‌بندی آن‌ها، می‌توان گفت چند دیدگاه نظری برای تبیین پدیده‌ی کودکان خیابانی مطرح شده است. در ادامه، به برخی از پرتکرارترین آن‌ها در مقالات و پایان‌نامه‌های مورد بررسی اشاره می‌شود.

نظریه‌ی آنومی اجتماعی^۳

مفاهیم آغازین الگوی بی‌هنجاری را عمدتاً می‌توان در آرای امیل دورکیم^۴ در باب نیاز به محافظت از پیوندهای اخلاقی بین اشخاص در جامعه دید. به نظر وی، زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل‌ناپذیر می‌شود. در نهایت، به شکل پدیده‌ی آنومی یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای دست‌یازیدن افراد به خودکشی و کجروی

1- cultural relativism
2- Adonteng-Kissi
3- theory of social anomie
4- Durkheim

است. به نظر دورکیم، علت آشکار تحقق آنومی، تحولات شتابزده اقتصادی است. چون این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجارهای جامعه به دنبال می‌آورد؛ نه به این دلیل که تولید فقر می‌کند، چون به نظر او پدیده فقر، بودن دخالت متغیرهای دیگر، بیشتر نقش نوعی «عامل ثبات‌بخش» را در جامعه ایفا می‌کند. اما در این شرایط، پیامدهای تحقق این تحولات شتابزده، عناصری مانند ثروت ناگهانی را در مقابل آن قرار می‌دهد؛ عناصری که وجود فقر را «تحمل‌ناپذیر» می‌کند. پس هنگامی که در کنار این فقر غیرقابل تحمل، عناصری مانند «آرزوهای بلندپروازانه» به «تصویر» یا «قول» در می‌آید، ساختار پایدار نیازهای افراد در هم می‌ریزد و شکل‌گیری آرزوهای بی‌حد - که محصول این وضعیت و آغاز آنومی است - توان کنترل این ساختار را از «نظام هنجاری سنتی» می‌گیرد. در همین اوضاع و احوال، نیازها هم ارضا نمی‌شود؛ این جاست که ابزارهای مشروع و نامشروع برای خلاصی از آن «وضعیت تحمل‌ناپذیر» به کار گرفته می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۳۲۶-۳۲۵ به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۴).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۱

در مقابل آرای دورکیم، دیدگاه جامعه‌شناسان ساختی متأخر قرار دارد که برآند جامعه، با ایجاد ناهمخوانی میان اهداف مقبول و شیوه‌های در دسترس نیل به آن، خود این نیازهای متعارض را ایجاد می‌کند. بدین شکل آنان، معنای محدودتری از مفهوم بی‌هنجاری در نگاه دورکیم را به دست می‌دهند. یکی از پیشروان این راه، مرتون^۲ است که دیدگاه وی، با عنوان «نظریه بی‌آنومی^۳» (۱۹۸۳) مطرح شده است. این نظریه در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارد که به از هم‌گسیختگی، ضعف، تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی منجر می‌شود. نظریه فوق‌الذکر نقش عوامل ساختاری را بررسی می‌کند که مانع از انطباق و سازگاری گروه‌ها و اقشار اجتماعی یا خرده‌نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند. طبق این نظریه، می‌توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی اقشار تهیدست و آسیب‌پذیر است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی با شرایط موجود انطباق یابند (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۷ به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۵۸-۵۴). همچنین در پرتو نظریه عدم تعادل ساختاری پارسونز^۴ و نیز بت^۵ می‌توان

-
- 1- Social Disorganization
 - 2- Merton
 - 3- Anomie
 - 4- Parsonz
 - 5- Nizbet

فرض کرد که پیدایش مسئله‌ی کودکان کار و خیابانی ناشی از اختلال در کارکرد خرده‌نظام زیستی و اختلال در فرایند مبادله‌ی انرژی و اطلاعات در خرده‌نظام زیستی یا نهاد اقتصاد است که نتوانسته است انرژی ناشی از دگرگونی‌های محیطی و فشار ناشی از تحولات سریع جمعیتی و نیازهای کارکردی برخاسته از آن را برآورده سازد. پیامد چنین امری گسترش فقر، کاهش رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و نابرابری است که پدیده‌ی کودکان کار و خیابانی، نمودی از این مسائل اجتماعی ساختاری است (معیدفر، ۱۳۷۹ به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۵۸).

نظریه‌ی آنومی خانواده

ویلیام گود^۱ با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین اژانس اجتماعی‌کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت کجرو و پیدایش مسائل اجتماعی دخیل می‌داند. وی معتقد است خانواده، کانون اصلی تشکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی که زیر بنای جامعه‌ی بزرگتری را فراهم می‌کند، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن، روی تک افراد آن تأثیر قطعی دارد. به نظر گود، هنگامی که یکی یا چند تن از اعضای خانواده نتواند وظایف خود را به طور مناسب انجام دهد؛ گسیختگی خانواده به وجود می‌آید. گسیختگی خانواده، معلول عوامل زیر است: ۱. فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق ۲. وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که برخلاف زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر؛ اما از کارکردهای کنشی متقابل برخوردار بوده و نسبت به یکدیگر از همدلی برخوردار نیستند. به نظر گود خانواده نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی و عاطفی فرزندان و اعضای خود ایفا می‌کند. به علاوه، این نهاد به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). از این رو، از هم‌پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده، عدم ایفای صحیح نقش‌های خانوادگی، احساس ناامنی در محیط خانواده به دلیل مشاهده‌ی رفتارهایی چون بدخلقی، ملامت، سرزنش از سوی والدین و غیره زمینه‌ساز جدا ماندن کودکان از محیط خانواده و برگزیدن خیابان به عنوان یکی از منابع تأمین نیازهای معیشتی ایشان می‌گردد و آنان را به تلاش برای کسب روزی در محیط بیرون خانواده مجبور می‌نماید و پس از چندی این کودکان، خیابان را به عنوان سبک زندگی خود انتخاب می‌کنند (قائمی، ۱۳۶۶: ۵۶).

نظریه‌ی فرهنگ فقر

یکی دیگر از نظریاتی که قابلیت زیادی برای تبیین خیابانی شدن کودکان دارد، نظریه‌ی فرهنگ فقر^۱ است. نظریه‌ی فرهنگ فقر اسکار لوئیس^۲ (۱۹۵۹) بر آن است که بسیاری از افراد فقیر فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقر هستند و در نتیجه آن‌ها قادر نیستند از کمک‌های اقتصادی، برنامه‌ی کمک درآمد برای بهبود وضع خویش سود جویند (بیکر^۳، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵). نظریه‌ی فرهنگ فقر با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی با این پیش فرض آغاز نموده است که فرهنگ فقر، نوعی شیوه‌ی زندگی است که دارای ابعاد روانی و اجتماعی مانند؛ گوشه‌گیری و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از افراد آن است (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴: ۱۰۵). این نظریه، دارای چهار فرضیه‌ی اساسی است. فرضیه‌ی نخست، به بی‌سرپرستی یا رهاشدگی این کودکان توسط خانواده‌هایشان اشاره دارد؛ فرضیه‌ی دوم، کودکان خیابانی را به فقر مربوط می‌داند و نتیجه‌ی فقر را رهاشدگی منفعلانه می‌داند؛ فرضیه‌ی سوم، کودکان خیابان را حاصل مهاجرت از روستا به شهر، فقر و پیامدهای گسیختگی و فروپاشی ساخت خانواده می‌داند. نتیجه‌ی این شرایط و عوامل، فراموش‌شدگی و به حال خود گذاشتن کودکان به شکل منفعلانه است. در حالت پیچیده‌تر در این فرضیه، کودکان خیابانی می‌توانند نتیجه به حاشیه رانده شدن کودکان از خانواده‌های به حاشیه رانده شده باشند؛ فرضیه‌ی چهارم، کودکان خیابانی را برخاسته از خرده- فرهنگ‌های شهری بسیار حاشیه‌ای و منحرف می‌داند. فرض اساسی این دیدگاه این است که گریزناپذیر بودن خیابان، پیامد فقر و راهبردهای نامناسب برای برآورد کردن نیازها و خودتخریبی است که در فرهنگ فقر خلاصه شده است. از نظر لوئیس، فرهنگ فقر با ویژگی‌هایی چون؛ تقدیرگرایی، درماندگی، وابستگی و خودکم‌بینی مشخص می‌شود (پنتر^۴ و اسمیت^۵، ۲۰۰۰: ۱۷۸-۱۷۴ به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱).

نظریه‌ی انتخاب عقلانی

نظریه‌ی انتخاب عقلانی براساس گزارش‌های تجربی بسیاری از از محققان از جمله اپتکار^۶ (۱۹۹۴) در رابطه با کودکان خیابانی شکل گرفته است و بر کیفیت عقلانی و انطباق زندگی آنان تأکید دارد. در پرتو نظریه‌ی مزبور، روی آوردن به زندگی خیابانی، در چارچوب «پاداش» هایش

-
- 1- Culture of Poverty Theory
 - 2- Oscar Lewis
 - 3- Baker
 - 4- Panther
 - 5- Smith
 - 6- Aptekar

برای کودکان قابل فهم است. روی آوردن به خیابان برای برآورده کردن «نیاز» های خاصی از کودک، سودمند است و این عمل نوعی سازگاری عقلایی با زمینه‌ی خاصی از محیط کودک، شرایط و تجربیات گذشته او و شرایط قابل دسترسی برای کنش اوست (نیازی، ۱۳۸۷: ۴۶). چشم‌انداز انتخاب عقلایی این مسئله را به صورت واکنش کودکان به شرایط عملی صورت‌بندی می‌نماید. از این چشم‌انداز، بسیاری از جنبه‌های زندگی کودکان در خیابان مانند دوستی با دیگر کودکان و بزرگسالان خیابانی و استعمال مخدرات و مشروبات امری آسیب‌شناختی و انحرافی ارزیابی نمی‌شود؛ بلکه این امور به عنوان راهبردهایی برای سازگاری با شرایطی دشوار محسوب می‌گردد. این رهیافت امکان بررسی مجدد نقش خانواده در زندگی کودکان و به وجود آوردن مداخله‌های مؤثرتر در خانواده را فراهم می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۷ به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۲).

نظریه‌ی ساخت‌گرایی اجتماعی

نظریه‌ی فوق به واحد تحلیل «کودک در متن» توجه دارد. نگاه این نظریه به کودکان خیابانی مستقل از شرایط ساختاری نیست؛ بلکه این کودکان در شبکه‌ی مناسبات اجتماعی و شبکه‌ی موقعیت‌های کنش و فعالیت‌های مرتبط به کودکان در خانه، خیابان و پرورشگاه مورد بررسی قرار می‌گیرند. زیرا تجربه‌ها و نگرش این کودکان ناشی از چندین موقعیت و زمینه است (حسینی، ۱۳۸۵: ۶۸). توبیاس هکت^۱ (۲۰۰۰) یکی از اندیشمندان متعلق به این دیدگاه است (به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۶۳).

نظریه‌ی مدرنیزاسیون

نظریه‌ی مدرنیزاسیون، عناصری از دو فرضیه فقر و بدرفتاری خانواده را در خود دارد و معتقد است که کودکان خیابانی در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که از حمایت اجتماعی کافی برخوردار نیستند. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که مدرنیزاسیون از طریق ایجاد گسست در پیوندهای خانوادگی و فروپاشی شبکه‌ی روابط خویشاوندی به شکل‌گیری پدیده‌ی کودکان خیابانی در مناطقی از جهان منجر شده است. به طوری که در جوامع سنتی و تا قبل از ظهور مدرنیزاسیون، از مردان انتظار می‌رفت که از خانواده و تمامی فرزندان‌شان مراقبت کنند و در شرایطی که مرد از انجام این کار ناتوان بود، شبکه‌ی خویشاوندی گسترده، مراقبت از همسر و فرزندان وی را بر عهده داشت. در جامعه‌ی مدرن، با مرگ خانواده‌ی گسترده، نظام حمایت خویشاوندان از کودکان

1- Tobias Hecht

از بین رفته است و معمولاً خانواده‌ها فقیر شهری خانواده‌های زن سرپرستی هستند که در انزوای از جامعه زندگی می‌کنند و کودکان این خانواده برای تأمین زندگی ناگزیرند به کار و زندگی خیابانی روی آورند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۲). برخی دیگر نیز معتقدند که مهاجرت روستا-شهری که یکی از ابعاد مدرنیزاسیون است، تبیین‌کننده‌ی پدیده‌ی کودکان خیابانی است (رایت^۱، ۱۹۹۳ به نقل از افشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۲).

نظریه‌ی اثرات متعامل

یکی دیگر از نظریه‌هایی که می‌تواند پدیده‌ی کودکان خیابان و کار را تبیین کند، نظریه‌ی اثرات متعامل^۲ است. اصطلاح اثرات متعامل، اصطلاحی است کلی که می‌تواند در مورد تعدادی از نظریه‌ها که برای دستیابی به تجزیه و تحلیل جزئیات خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرند، به کار برده شود. این نظریه، توجه کلی به راه‌هایی است که ارتباط افراد خانواده با یکدیگر یا سایر افراد به صورت نظام پویای اثرات متعامل برقرار می‌سازد (سیف، ۱۳۶۸: ۳۶). اثرات متعامل از سه طریق صورت می‌پذیرد. نخست، از طریق اعمال قدرت؛ دوم، از طریق ابراز محبت و سوم از طریق برقراری رابطه و گفتگو. در هر یک از اشکال تعاملی فوق، هر یک از افراد خانواده - شامل پدر و مادر و فرزندان - نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. بنابراین، با غیبت یک فرد از افراد در این گروه کوچک یا وجود اختلال در خانواده، تعاملات ذکر شده شکل دیگری به خود می‌گیرد و در واقع از حالت طبیعی خارج می‌گردد. کودکان چنین خانواده‌هایی به حدی دچار مشکلات اجتماعی می‌شوند که راه دوری موقتی یا دائم از خانواده را انتخاب می‌نمایند یا اینکه این راه به آنان تحمیل می‌شود و در پی دوری از خانواده جهت تأمین معاش خود به کار در خیابان یا بازارها و... می‌پردازند. از این رو، فرزندان این قبیل خانواده‌ها به هیچ عنوان نمی‌توانند از تعاملاتی مطلوب و پسندیده برخوردار باشند (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

نظریه‌ی ارتباط بین وضعیت خانوادگی، نقش‌ها و هنجارها

طبق نظریات بیتز^۳ در هر فرهنگ تعداد محدودی نقش وجود دارد که تعداد معدودی وضعیت یا موقعیت را به وجود می‌آورد. هر یک از وضعیت‌ها دارای نقش‌های غائب و پنهان هستند. همیشه هر نقشی با نقش دوجانبه یک وضعیت دیگر پیوستگی دارد. همیشه در یک زوج، وضعیت‌های مربوط به یکدیگر حداقل یک زوج نقش دو جانبه که از یک رشته انتظارات اجتماعی ترکیب

1- Wright

2- Interacted effects

3- Bates

یافته، وجود دارد. هم‌چنین وضعیت‌های مختلفی برای پدر به عنوان «پدر-همسر»، مادر به عنوان «مادر-همسر»؛ برادر به عنوان «پسر-برادر» و خواهر به عنوان «دختر - خواهر» به وجود می‌آید. خانواده در حقیقت به شوهر به عنوان پدر، همسر به عنوان مادر، پسر به عنوان برادر و دختر به عنوان خواهر محدود می‌شود (سیف، ۱۳۶۸: ۵۵).

هریک از وضعیت‌های افراد در گروه خانواده، دارای نقش‌های بارزی هستند. برای مثال، نقش اصلی شوهر به عنوان پدر، در بین وظایف متعددی که احتمالاً دارد، عبارت است از؛ کسب درآمد جهت گذراندن زندگی خانواده است یا اگر نقش اصلی همسر به عنوان مادر خانه‌دار باشد، هنگامی که این مادر در خارج از خانه شغل داشته باشد، شغل وی در خارج خانه به عنوان یک مسئولیت یا وظیفه‌ی اولیه محسوب نمی‌شود. در این حالت است که نقش اجتماعی پنهان یا مغلوب موقعیت اجتماعی او خود را ظاهر می‌سازد و این با نقش اجتماعی پدر به عنوان عامل کسب درآمد خانواده متفاوت است و بالاخره در بین نقش‌های مختلف متعلق به موقعیت اجتماعی نقش‌های دو جانبه پیچیده‌ای به طور آشکار خود را نشان می‌دهند (همان: ۵۶).

هر یک از این نقش‌ها و به تبع آن موقعیت دارای منابع گروهی و اجتماعی هستند و براساس فرهنگ، نیاز اجتماعی، شرایط خانواده و غیره تشکیل می‌گردند و وظایف و مسئولیت‌های خاص خود را به دست می‌گیرند. در جامعه‌ی ما و به ویژه در طبقات اجتماعی پایین که کودکان خیابانی و کودکان کار عموماً از این پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌باشند، پدر عموماً نقش کسب درآمد و تأمین معاش، نظارت و سرپرستی خانواده و زن عموماً نقش خانه‌داری، تأمین محبت مورد نیاز کودکان، محرم اسرار خاموش را به عهده دارد. حال اگر در خانواده‌های موردنظر این نقش‌ها به خوبی ایفا نشوند یا اینکه برای مثال، با فقدان پدر به هر دلیل وظایف مراقبتی، انضباطی و کسب درآمد به عهده‌ی زن قرار گیرد؛ نه تنها وظایف نقش دوم توسط داوطلب اجتماعی ایفای نقش به خوبی انجام نخواهد شد، بلکه آن داوطلب در ایفای نقش‌های خود نیز با آشفتگی مواجه می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۵). در خانواده‌ای که ترکیب آن به گونه‌ای بوده است که کودک به جای گذراندن زندگی طبق معمول همسالان خود مجبور به گذراندن زندگی به طریق دیگر یا دوری و جدایی دائمی یا مقطعی از خانواده یا کار در خیابان‌هاست، پدر عموماً خواسته یا نخواستہ نقش‌های خود را به خوبی ایفا نکرده است و علاوه بر آنکه خانواده با مشکل تأمین معاش مواجه است، پدر از لحاظ منزلتی در مرتبه‌ی پایینی قرار می‌گیرد و به طور بالقوه امکان ایفای نقش‌های نظارتی و سرپرستی نیز از او گرفته می‌شود. هرچند احتمالاً توانایی مطلوبی برای ایفای این نقش‌ها را نیز نداشته است. در این حال، تمام یا بخشی از وظایف او به عهده‌ی مادر و فرزندان قرار می‌گیرد و آنان را به تلاش برای کسب روزی مجبور می‌کند، همچنین مادر یا فرزندان به

خصوص پسران ارشد خانواده، نسبت به ایفای نقش‌های سرپرستی و نظارتی پدر مجبور می‌شوند. در این حال، همه‌ی نقش‌های داوطلبان دچار مشکلاتی در اجرا می‌گردد؛ زیرا برای قامت دیگری ساخته شده بود. برای مثال، نقش محبتی مادر باید به نقش سختگیرانه و پدران‌ای تبدیل گردد یا نقش برادرانه به نقش پدران‌ه تبدیل می‌گردد که حاصلی از تباهی هر دو نقش است (همان: ۱۴۶).

نظریه‌ی کنش متقابل نمادین

نظریه‌ی کنش متقابل نمادین و دیدگاه‌های متأثر از آن، برای فهم چگونگی شکل‌گیری تصاویر خاص درباره‌ی کودکان خیابانی و علل و انگیزه‌ی شکل‌گیری این تصاویر و منافع و علایق پشت آن مفید هستند. فرضی که از این رهیافت برمی‌آید؛ این است که کودکان خیابانی و خانواده‌های آن‌ها از کار خود در خیابان چه برداشتی دارند و چه منافع و علایقی حضور آن‌ها در خیابان را استمرار می‌بخشد.

در یک جمع‌بندی کلی، نظریات فوق‌الذکر که سعی در تبیین عوامل سوق‌دهنده‌ی کودک به سوی خیابان بوده‌اند را می‌توان از دو جهت مورد مذاقه قرار داد. ۱. از جهت سطح نظریه‌ورزی؛ ۲. از نظر تمرکز بر عوامل درونی-بیرونی.

از منظر سطح نظریه‌ورزی، نظریات مورد بحث در سه سطح اجتماعی به بررسی و تبیین پدیده‌ی کودکان کار و خیابان پرداخته‌اند. سطح نخست، سطح کلان است که مورد توجه نظریاتی همچون نظریه‌ی آنومی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و مدرنیزاسیون بوده است. در این سطح، عواملی همچون تغییرات و تحولات سریع و شتاب‌زده در جامعه (به مانند رکود اقتصادی شدید) یا عوامل ساختاری مطمح نظر قرار می‌گیرند که عاملیت انسانی در آن نقش کمتری دارند. سطح دوم، سطح میانه یا سطح خانوادگی است که نابسامانی و بی‌سازمانی در نهاد خانواده و ساختار آن را عامل اصلی در بروز پدیده‌ی کودکان کار و خیابان معرفی می‌کند. نظریه‌ی آنومی خانواده و نیز نظریه‌ی ارتباط بین وضعیت خانوادگی، نقش‌ها و هنجارهای بیتز در این دسته جای می‌گیرد. دسته سوم، سطح فردی است که در آن تمرکز اصلی ویژگی‌ها و مشخصات کودک کار است. نظریاتی همچون؛ فرهنگ فقر و انتخاب عقلایی در این دسته جای می‌گیرند.

از نظر توجه تمرکز بر عوامل درونی-بیرونی می‌بایست اذعان نمود که دسته‌ای از نظریات بر عوامل درونی از جمله موارد ناهنجاری‌های ژنتیکی، عصب‌شناختی، عوامل شخصیتی و ناهنجاری روانی و دسته‌ای دیگر بر عوامل بیرونی نیز شامل عوامل اجتماعی (همچون رشد جمعیت^۱،

مهاجرت^۱ و اعتیاد^۲ خانوادگی (همچون نقش سرپرستی خانواده^۳ که دربرگیرنده‌ی کودکان بدسرپرست^۴ و تک‌سرپرست^۵ می‌شود، اجبار والدین^۶، کودک‌آزاری^۷ و خشونت‌های خانوادگی^۸)، اقتصادی (همچون فقر، عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت در جامعه و وجود فاصله‌ی شدید طبقاتی) و سیاسی توجه نشان داده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان بیان کرد که پیدایش مسئله‌ی کودکان خیابانی و کار را باید محصول دو دسته از عوامل به شمار آورد: ۱. عوامل درونی (دربرگیرنده‌ی عوامل درون خانواده و الگوی روابط کارکردی آن)؛ ۲. عوامل بیرونی (شامل عوامل ساختاری و برخاسته از نهادهای مختلف اجتماعی همچون اقتصاد و سیاست). هرچند که نباید از این نکته غافل شد که این عوامل بر یکدیگر اثر متقابل دارند (به نقل از احمدی، ۱۳۹۳: ۷۱-۶۵).

۳- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این مطالعه، روش فراتحلیل است. روش فراتحلیل به عنوان یکی از روش‌های علمی شناخته می‌شود که برای فائق آمدن به مشکلات روش‌های سنتی ترکیب تحقیقات (همچون روش مرور نظامند) در دهه‌ی ۱۹۷۰ ارائه شد. فراتحلیل فن آماری برای ترکیب یافته‌های تحقیقات مستقل، اما مشابه است. البته بین روش‌های مرور نظاممند و فراتحلیل رابطه وجود دارد و تمامی فراتحلیل‌ها مبتنی بر مرور نظاممند هستند. با این حال، ضرورتاً تمامی تحقیقات از نوع مرور نظاممند دربرگیرنده‌ی فراتحلیل نیستند. شاید بتوان این گونه گفت که فراتحلیل، نوع پیشرفته و روشمند مرور نظاممند است که از ابزارهای آماری استفاده بیشتری می‌کند.

فراتحلیل را هنر ترکیب تحقیقات و تحلیل تحلیل‌ها می‌نامند و در واقع روش کمی برای تلفیق نتایج تحقیقات مستقل و مشابه و ترکیب یافته‌های آن‌ها برای ارزیابی اثربخشی عمل آزمایشی است (ایگر و دیگران، ۲۰۰۱ به نقل از قربانی‌زاده و حسن نانگیر، ۱۳۹۳: ۲۴). به عبارت دیگر، ادبیات موضوع از منابع مکتوب مورد بررسی نظاممند قرار می‌گیرد تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه تحقیقات

-
- 1- Emigration
 - 2- Addiction
 - 3- The role of the householder
 - 4- Children irresponsible
 - 5- Children of single-headed
 - 6- Forcing parents
 - 7- Child abuse
 - 8- La violence familiale

میان بخشی است که در آن موضوع مورد مطالعه به جای افراد، نتایج تحقیقات است. با این تفاوت که شرایط مطالعه در اینجا دشوارتر است.

جهت کاربست روش فراتحلیل در این مطالعه، می‌بایست پیش فرض‌های فراتحلیل مدنظر قرار می‌گرفت. از جمله اینکه همه در ارتباط با یک موضوع واحد باشند [در این مطالعه در باب موضوع کودکان کار و خیابان باشند]؛ از نوع علی-مقایسه‌ای، آزمایشی، شبه آزمایشی و همبستگی باشند؛ از ابزار و آزمون‌های یکسانی استفاده کرده باشند؛ از توزیع نرمال برخوردار باشند؛ مستقل از یکدیگر باشند و... (هومن، ۱۳۸۷: ۹۹). با در نظر گرفتن پیش فرض‌های مطروحه در انجام فراتحلیل، مقالاتی که به موضوع کودکان کار و خیابان اختصاص داشتند به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب و به شیوه‌ی تمام‌شماری، نمونه‌گیری شده‌اند.

خواه ناخواه، تمام تحقیقات انجام شده ممکن است دارای خطاها و نقایصی باشند، اما در فراتحلیل، اغماض بیش از حد نقایص، ممکن است نتایج فراتحلیل را مخدوش کند و اهمیت بیش از حد به آن‌ها نیز، فراتحلیل را ممکن نمی‌سازد. در فراتحلیل می‌بایست جهت تقویت اعتبار و پایایی، اسناد مورد بررسی توسط داوران وزندهی شود و به این وسیله مشخص گردد که از هر مطالعه‌ی پژوهشی چقدر بهره برده می‌شود (هومن، ۱۳۸۷). در این تحقیق، جهت افزایش اعتبار و پایایی تمهیداتی مدنظر گرفته شد و آن اینکه از ورود اطلاعات تحقیقاتی که در سطح ضعیف و بسیار ضعیف بودند، خودداری شد و بقیه‌ی تحقیقات با لحاظ شرایطی توسط فراتحلیل‌گران، با وزن یکسان مفروض شد. جهت تقویت اعتبار و پایایی در انتخاب منابع استفاده شده، چند اولویت لحاظ شده است: اول اینکه پژوهش‌های انتخاب شده در فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۸ بوده و از انتخاب تحقیقاتی که به سال‌های قبل از ۱۳۸۱ مربوط بوده، اجتناب شد. دوم اینکه، تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفت که در مجله‌های علمی-پژوهشی چاپ گردیده بود. و به این ترتیب، اعتبار و پایایی آن‌ها حداقل توسط دو داور مورد تأیید قرار گرفته بود. هم‌چنین تحقیقاتی که به شکل پایان‌نامه در مقاطع تحصیلات عالی توسط اساتید راهنما و مشاور و داور(ان) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. با این اوصاف، از میان بیش از ۶۳ سند مورد بررسی، ۱۵ مقاله و پایان‌نامه‌ی ردیابی شده، انتخاب و مورد استفاده قرار گرفتند. هم‌چنین به دلیل استفاده از برنامه‌ی «فرا تحلیل جامع^۱» در این پژوهش و لزوم تکرار متغیرها در حداقل ۵ سند که الزامی برای ورود به فراتحلیل است، فرضیه‌ها یا متغیرهای تکرار نشده کنار گذاشته شده و فرضیه‌های تکرار شده در حداقل ۵ سند مورد بررسی قرار گرفتند. هم‌چنین به سبب نیاز به داده‌های کمی در ورود داده‌ها به نرم‌افزار

آماري، از بررسی پژوهش‌های کیفی صرف نظر شد و فقط تحقیقات کمی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. چرا که فراتحلیل، تجزیه و تحلیل‌های کمی (اعم از همبستگی، آزمایشی و شبه-آزمایشی) را تحلیل ثانویه می‌کند (اورتگا^۱، ۲۰۱۱).

در این پژوهش، در اجرای فراتحلیل ابتدا در بخش اول، عناصر بنیادین تحقیقات انجام شده شامل مبانی نظری فرضیه‌ها، جامع آماری، حجم نمونه، روش تحقیق و غیره دسته‌بندی شده و اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار «بسته آماری برای علوم اجتماعی»^۲ مورد نقد قرار گرفته است. در بخش دوم، مطالعات جمع‌آوری و کدگذاری صورت گرفت و با ورود داده‌ها به نرم‌افزار جامع فراتحلیل، نتایج منتج از نرم‌افزار مورد بررسی قرار گرفته است، اندازه‌ی اثر محاسبه شد و پس از آن تحلیل‌های اصلی و هم‌چنین تکمیلی روی داده‌ها انجام گرفت. اندازه‌ی اثر یا قوت یافته‌های کمی (اورتگا، ۲۰۱۱) مقیاسی است که نتایج تحقیقات مختلف را در قالب یک مقیاس عددی اثربخش نشان می‌دهد (کیولیک^۳، ۲۰۰۳). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو مدل آماری استفاده شد که عبارتند از: مدل اثرات ثابت^۴ و مدل اثرات تصادفی^۵. در تفسیر اندازه‌ی اثر نیز از جدول ذیل استفاده می‌شود که برگرفته از نظریات کوهن (۱۹۷۷) است.

جدول ۱: توزیع طبقات اندازه‌ی اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها

اندازه‌ی اثر (ES)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	اندازه‌ی تأثیر (d)	واریانس تبیین شده (S ²)
اندازه‌ی اثر کم	کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۵	۰/۰۱
اندازه‌ی اثر متوسط	از ۰/۳ تا ۰/۵	از ۰/۵ تا ۰/۸	۰/۰۹
اندازه‌ی اثر زیاد	۰/۵ و بیشتر	۰/۸ و بیشتر	۰/۲۵

جدول زیر نیز فراوانی فرضیات را در مقالات و پایان‌نامه‌های کودکان کار و خیابان به نمایش می‌گذارد.

- 1- Ortega
- 2- Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)
- 3- Kulik
- 4- Fixed Effects Model
- 5- Random Effects Model

جدول ۲: توزیع فراوانی فرضیات مستقل با فراوانی بیش از ۵ در تحقیقات کودکان کار و خیابان

درصد	فراوانی	فرضیه
۱۶/۳۹	۱۰	رابطه‌ی بین اعتیاد والدین و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین آزار کودکان توسط والدین و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین وضعیت اشتغال والدین (بیکاری) و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین میزان درآمد والدین و خیابانی شدن کودکان
۱۱/۴۷	۷	رابطه‌ی بین بعد خانواده و خیابانی شدن کودکان
۱۴/۷۵	۹	رابطه‌ی بین وضعیت سرپرستی و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین مهاجرت و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین تحصیلات والدین و خیابانی شدن کودکان
۸/۱۹	۵	رابطه‌ی بین سابقه‌ی محکومیت در خانواده و خیابانی شدن کودکان
۱۰۰	۶۱	مجموع

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های تحقیق در دو بحث جداگانه، یافته‌های توصیفی و یافته‌های مستخرج از نرم‌افزار فراتحلیل ارائه می‌شود.

۴-۱- یافته‌های توصیفی

جدول ذیل (شماره‌ی ۳)، فراوانی تحقیقات مرور شده را بر حسب نوع تحقیق نشان می‌دهد. براساس داده‌های جدول مزبور می‌توان گفت براساس داده‌های جدول بالا می‌توان گفت از میان ۱۵ مطالعه‌ی مرور شده در زمینه‌ی کودکان خیابانی، ۴ مورد به شکل مقالات علمی-پژوهشی به چاپ رسیده‌اند و سایر موارد (۱۱ تحقیق معادل ۷۳/۳۳ درصد) حاصل پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی تحقیقات مرور شده بر حسب نوع تحقیق

درصد	فراوانی	نوع تحقیق
۲۶/۶۷	۴	مقاله
۷۳/۳۳	۱۱	پایان نامه
۱۰۰	۱۵	جمع کل

ویژگی دیگری که در تحقیقات مرور شده مورد بررسی قرار گرفت، بحث جامعه‌ی آماری تحقیقات بوده است. براساس اطلاعات جدول ذیل باید گفت ۶۶/۶ درصد تحقیقات (۱۰ مورد) تنها به مطالعه‌ی کودکان کار خیابان در سنین زیر ۱۸ سالگی پرداخته‌اند و ۳۳/۴ درصد تحقیقات (معادل ۵ مورد) با انتخاب دو جامعه‌ی آماری کودکان کار و خیابان و کودکان غیرخیابانی دست به مقایسه میان زده‌اند.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی تحقیقات مرور شده برحسب جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری	فراوانی	درصد
کودکان کار و خیابان	۱۰	۶۶/۶
کودکان خیابانی و غیرخیابانی	۵	۳۳/۴
جمع کل	۱۵	۱۰۰

جدول شماره‌ی ۵ نیز فراوانی و درصد تحقیقات مرور شده را برحسب نظریات مورد استناد نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول مزبور باید گفت ۵۳/۳ درصد تحقیقات (۸ مورد) از نظریات ترکیبی بهره برده بوده‌اند. همچنین نظریات آنومی و بی‌سازمانی اجتماعی (هر کدام دو مورد) و نظریات شنايدر و تئودور شولتز (هر کدام یک مورد) نیز در تحقیقات استفاده شد. از میان ۱۵ مطالعه‌ی مرور شده نیز، یک مورد (معادل ۶/۶ درصد) فاقد نظریه بوده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصدی تحقیقات مرور شده برحسب جامعه‌ی آماری

نظریات مورد استناد	فراوانی	درصد
نظریات ترکیبی	۸	۵۳/۳
نظریه‌ی آنومی و بی‌هنجاری	۲	۱۳/۱۳
نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی	۲	۱۳/۱۳
نظریه‌ی شنايدر	۱	۶/۶
تئودور شولتز	۱	۶/۶
فاقد نظریه	۱	۶/۶
جمع کل	۱۵	۱۰۰

جدول زیر نیز توزیع فراوانی و درصد تحقیقات مرور شده را بر حسب اعتبار و پایایی نشان می‌دهد. از نظر ذکر اعتبار باید گفت ۲۶/۷ درصد از مقالات از اعتبار ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق سخنی به میان نیاورده‌اند. ۲۶/۷ درصد نیز اعتبار ابزار جمع‌آوری داده‌ها و نحوه‌ی اعتبارسنجی آن را ذکر کرده‌اند. جهت اعتبارسنجی نیز غالب تحقیقات از اعتبار صوری و تنها

یک مورد از اعتبار سازه استفاده کرده است. از نظر ذکر پایایی نیز، ۸۰ درصد پایایی تحقیق را عنوان نموده و تنها ۳ مورد از تحقیقات به آن نپرداخته‌اند.

جدول ۶: توزیع فراوانی و درصدی تحقیقات مرور شده بر حسب اعتبار تحقیق

اعتبارسنجی	فراوانی	درصد	پایایی	فراوانی	درصد
ذکر اعتبار	۱۱	۷۳/۴	ذکر پایایی	۱۲	۸۰
عدم ذکر اعتبار	۴	۲۶/۷	عدم ذکر پایایی	۳	۲۰
جمع کل	۱۵	۱۰۰	جمع کل	۱۵	۱۰۰

۴-۲- یافته‌های فراتحلیل

یافته‌های فراتحلیل حاصل از هر یک از متغیرهای حاضر در فرضیه‌ها در جدول شماره‌ی (۷) عنوان شده‌اند. در متغیر اعتیاد والدین، نتایج آزمون ناهمگونی، حکایت از معناداری این آزمون دارد (P-Value=۰/۰۰۰) که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی ناهمگون‌اند. تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع، این آزمون به ما می‌گوید که ۱۰ فرضیه‌ی مربوط به رابطه‌ی بین اعتیاد والدین و کار کودکان، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات متفاوت‌اند. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی اعتیاد والدین و کار کودکان، در ۱۰ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۵۴۱، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی کوهن (جدول شماره‌ی یک)، اندازه‌ی اثر بین اعتیاد والدین و کار کودکان در ۱۰ مطالعه در حد متوسط است.

در تحلیل رابطه‌ی آزار کودکان توسط والدین و کار کودکان، از آنجا که آزمون ناهمگونی معنادار است (P-Value=۰/۰۰۰) بنابراین مدل تصادفی بر مدل ثابت برتری دارد و همچنین وجود متغیر تعدیل کننده را نیز می‌رساند که در این تحقیق بررسی آن امکان پذیر نیست. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی آزار کودکان توسط والدین و کار کودکان، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده معادل ۰/۲۳۵، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، اندازه‌ی اثر بین دو متغیر یادشده‌ی بالا، در حد پایین است.

معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه‌ی وضعیت اشتغال والدین (بیکاری) و کار کودکان در ۵ مطالعه، حکایت از این دارد که مطالعات ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی بیکاری والدین و کار کودکان، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده معادل ۰/۳۰۲، مثبت و معنادار و اندازه‌ی اثر آن در سطح پایین است. در تحلیل رابطه‌ی درآمد ناکافی والدین و کار کودکان از آنجا که آزمون ناهمگونی معنادار است

($P\text{-Value}=0/000$) بنابراین مدل تصادفی بر مدل ثابت برتری دارد و همچنین وجود متغیر تعدیل کننده را نیز می‌رساند که در این تحقیق، بررسی آن امکان‌پذیر نیست. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی میزان والدین و کار کودکان، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده معادل $0/123$ ، منفی و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، اندازه‌ی اثر بین دو متغیر یادشده‌ی بالا، در حد پایین است. آزمون ناهمگونی معنادار ($P\text{-Value}=0/000$) بین بعد خانوار و کار کودکان، برتری مدل تصادفی بر مدل ثابت را به نمایش می‌گذارد. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی بعد خانوار و کار کودکان، در ۷ فرضیه‌ی بررسی شده معادل $0/165$ ، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، اندازه‌ی اثر بین دو متغیر یادشده‌ی بالا، در حد پایین است. در تحلیل رابطه‌ی وضعیت سرپرستی و کار کودکان از آنجا که آزمون ناهمگونی معنادار است ($P\text{-Value}=0/000$) بنابراین مدل تصادفی بر مدل ثابت برتری دارد و همچنین وجود متغیر تعدیل کننده نیز به این شیوه مشخص می‌شود. این متغیرهای تعدیل کننده، به بررسی نیاز دارند و انگیزه‌ی تحقیقات کامل‌تر را موجب می‌شوند. اگرچه در این تحقیق بررسی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی وضعیت سرپرستی و کار کودکان، در ۹ فرضیه‌ی بررسی شده معادل $0/249$ ، مثبت و معنادار است. بنابراین متغیر مستقل وضعیت سرپرستی با اندازه‌ی اثر تقریباً پایین بر کار کودکان اثر دارد.

تحلیل رابطه‌ی مهاجرت و کار کودکان از آنجا که آزمون ناهمگونی معنادار است ($P=0/001$) Value= $0/001$) بنابراین مدل تصادفی بر مدل ثابت برتری دارد و همچنین وجود متغیر تعدیل کننده را نیز می‌رساند که در این تحقیق بررسی آن امکان‌پذیر نیست. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی مهاجرت و کار کودکان، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده معادل $0/293$ ، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، اندازه‌ی اثر بین دو متغیر یادشده‌ی بالا، در حد پایین است. در تحلیل سابقه‌ی محکومیت در خانواده و کار کودکان از آنجا که آزمون ناهمگونی معنادار است ($P\text{-Value}=0/025$) بنابراین مدل تصادفی بر مدل ثابت برتری دارد و همچنین وجود متغیر تعدیل کننده را نیز می‌رساند که در این تحقیق بررسی آن امکان‌پذیر نیست. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی سابقه‌ی محکومیت در خانواده و کار کودکان، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده معادل $0/254$ ، مثبت و معنادار است. بنابراین متغیر مستقل سابقه‌ی محکومیت در خانواده با اندازه‌ی اثر تقریباً پایین بر کار کودکان اثر دارد.

معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه‌ی پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و کار کودکان در ۵ مطالعه، حکایت از این دارد که مطالعات ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی پایگاه اقتصادی-اجتماعی و

کار کودکان، معادل ۰/۳۳۷، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، اندازه‌ی اثر بین دو متغیر یادشده‌ی بالا، در سطح پایین ارزیابی می‌شود. متغیر دیگر، میزان تحصیلات والدین است. معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه‌ی تحصیلات والدین و کار کودکان در ۵ مطالعه، حکایت از این دارد که مطالعات ناهمگون هستند، تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی تحصیلات والدین و کار کودکان، معادل ۰/۶۱۴، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، اندازه‌ی اثر بین دو متغیر یادشده‌ی بالا، در سطح متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود.

جدول ۷: یافته‌های فراتحلیل فرضیات تحقیقی خیابانی شدن کودکان

آزمون ناهمگونی				اندازه‌ی اثر در فاصله ۰/۹۵			خلاصه آماره‌های فراتحلیل فرضیات	
I-Squared (12)	سطح معنی داری (P-Value)	درجه آزادی (Df)	مقدار آزمون Q	تعداد مطالعه	سطح معنی داری (P-Value)	اثرات ترکیبی		مدل
۹۹/۱۳۳	۰/۰۰۰	۹	۹۲۲/۸۲۰	۱۰	۰/۰۰۰	۰/۵۵۷	ثابت	رابطه‌ی بین اعتیاد والدین و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۲۵	۰/۵۴۱	تصادفی	
۷۷/۵۱۲	۰/۰۰۰	۴	۱۶/۷۷۲	۵	۰/۰۰۰	۰/۲۴۱	ثابت	رابطه‌ی بین آزار کودکان توسط والدین و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	تصادفی	
۹۶/۶۱۷	۰/۰۰۰	۴	۴۷۷/۱۴۵	۵	۰/۰۰۰	۰/۳۰۰	ثابت	رابطه‌ی بین وضعیت اشتغال والدین (بیکاری) و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۷۱	۰/۳۰۲	تصادفی	
۹۹/۱۰۲	۰/۰۰۰	۴	۴۴۵/۲۴۷	۵	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۱	ثابت	رابطه‌ی بین درآمد ناکافی والدین و خیابانی شدن کودکان
					۰/۶۹۱	-۰/۱۲۳	تصادفی	
۹۲/۷۷۸	۰/۰۰۰	۶	۸۳/۰۸۲	۷	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	ثابت	رابطه‌ی بین بعد خانواده و خیابانی شدن کودکان
					۰/۱۰۸	۰/۱۶۵	تصادفی	
۸۹/۲۸۵	۰/۰۰۰	۸	۷۴/۶۵۹	۹	۰/۰۰۰	۰/۲۵۵	ثابت	

					۰/۰۰۱	۰/۲۴۹	تصادفی	رابطه‌ی بین وضعیت سرپرستی و خیابانی شدن کودکان
۸۸/۲۳۱	۰/۰۰۱	۴	۴/۴۰۷	۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۷	ثابت	رابطه‌ی بین مهاجرت و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۰۰	۰/۲۹۳	تصادفی	
۷۷/۱۷۵	۰/۰۰۲	۴	۱۷/۵۲۵	۵	۰/۰۰۰	۰/۳۱۱	ثابت	رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	تصادفی	
۹۸/۵۱۰	۰/۰۰۰	۴	۲۶۸/۴۶۲	۵	۰/۰۰۰	۰/۵۳۰	ثابت	رابطه‌ی بین تحصیلات والدین و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۲۲	۰/۶۱۴	تصادفی	
۶۴/۱۷۲	۰/۰۲۵	۴	۱۱/۱۶۴	۵	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	ثابت	رابطه‌ی بین سابقه‌ی محکومیت در خانواده و خیابانی شدن کودکان
					۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	تصادفی	

۵- بحث و نتیجه‌گیری

فرا تحلیل یک روش آماری است که برای استخراج و جمع‌بندی داده‌های حاصل از تحقیقات پیشین به کار می‌رود که در زمینه‌ی موضوع به خصوصی انجام شده است، و سعی آن بر این است که با تلخیص آماری نتایج تحقیقات گذشته، یک برآورد کلی از اثر عمل آزمایشی انجام دهد. به عبارت دیگر، در فرا تحلیل، کاوشی جامع، ارزیابی انتقادی و ترکیب کمی تمامی مستندات مربوط به تحقیقات گذشته انجام می‌شود تا جمع‌بندی کلی از آن‌ها به عمل آید. با توجه به اهمیت انجام مطالعات این چنینی، این مطالعه به بررسی و تحلیل مطالعات کودکان کار و خیابان به شیوه‌ی فرا تحلیل پرداخته است. به عبارت دیگر، مطالعه‌ی پیش رو، درصدد است تا با توجه به متغیرهای اثرگذار بر کار و خیابانی شدن کودکان براساس مطالعات پیشین، عوامل مؤثر بر آن را شناسایی نماید.

انتخاب مطالعات کودکان کار و خیابان به سبب اهمیت این پدیده‌ی اجتماعی در یک جامعه است. چرا که از نظر غالب مدافعان حقوق کودک، افراد در سنین کودکی باید صرفاً به بازی و کسب علم پردازند و از پذیرش هر نقشی که برای آن‌ها مسئولیت اجتماعی به بار آورد، بپرهیزند. از جمله، نقش‌های شغلی که مسئولیت کسب درآمد و نقش نان‌آوری را به آن‌ها تفویض می‌کند.

بدین ترتیب، مطالعه و شناسایی عوامل اثرگذار بر کار و خیابانی شدن کودکانی می‌تواند به برنامه‌ریزان در جهت حذف یا کاهش آن مدد رساند. موضوعی که مطالعه‌ی پیش‌رو نیز درصدد مطالعه‌ی آن با استفاده از روش فراتحلیل برآمده است. با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های مطروحه در انجام فراتحلیل، مطالعاتی که به موضوع کودکان کار و خیابان اختصاص داشتند به عنوان جامعه‌ی آماری انتخاب و به شیوه‌ی تمام‌شماری، نمونه‌گیری شده‌اند.

پژوهش‌های انتخاب شده در فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۸ در مجله‌های معتبر علمی-پژوهشی کشور به چاپ رسیده بوده‌اند یا در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های کشور دفاع شده‌اند. در نهایت، از میان پژوهش‌های انجام شده، ۱۵ سند ردیابی شده، انتخاب و جهت انجام فراتحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استخراج شده از تحقیقات پیشین نیز از برنامه فراتحلیل جامع استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحقیق در دو بخش مجزای یافته‌های توصیفی و یافته‌های منتج از برنامه‌ی فراتحلیل جامع بازگو شده‌اند. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد از میان ۱۵ مطالعه‌ی مرور شده در زمینه‌ی کودکان خیابانی، ۴ مورد به شکل مقالات علمی-پژوهشی به چاپ رسیده‌اند و سایر موارد (۱۱ تحقیق معادل ۷۳/۳۳ درصد) حاصل پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند. از نظر ذکر نحوه‌ی پایایی و اعتبارسنجی نیز باید گفت تنها ۲۶/۷ درصد از نحوه‌ی اعتبارسنجی ابزار گردآوری داده سخن گفته‌اند که در غالب آن‌ها به صورت اعتبار صوری بوده است. ۲۰ درصد از مطالعات نیز پایایی ابزار گردآوری داده‌ها را ذکر نکرده‌اند.

یافته‌های تحلیلی مستخرج از برنامه‌ی فراتحلیل جامع نیز نشان داد که میان تمامی متغیرهای مستقل (شامل وضعیت اشتغال والدین (بیکاری)، مهاجرت، سابقه‌ی محکومیت در خانواده، وضعیت سرپرستی، آزار کودکان توسط والدین، بعد خانوار، درآمد ناکافی والدین، اعتیاد والدین، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سطح تحصیلات والدین) و میزان کار و خیابانی شدن کودکان، رابطه‌ای در سطح معنادار و پذیرفتنی برقرار است. نتیجه‌ای که با رجوع به آزمون ناهمگونی معنادار ($P\text{-Value}=0/000$) قابل تشخیص است. نتایج اندازه‌ی اثرات ترکیبی حکایت از این دارد که رابطه‌ی اعتیاد والدین و کار کودکان، در ۱۰ فرضیه‌ی بررسی شده، معادل ۰/۵۴۱ مثبت و معنادار و در حد متوسط است. رابطه‌ی آزار کودکان توسط والدین و کار کودکان، معادل ۰/۲۳۵ مثبت، معنادار و در حد پایین است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه‌ی وضعیت اشتغال والدین (بیکاری) و کار کودکان، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده معادل ۰/۳۰۲ مثبت و معنادار و اندازه‌ی اثر آن در سطح پایین است. در باب متغیر مستقل درآمد ناکافی والدین نیز این میزان معادل ۰/۱۲۳-، منفی و معنادار و اندازه‌ی اثر آن در حد پایین است. اثر بعد خانوار

بر کار کودکان در ۷ فرضیه‌ی بررسی شده، معادل ۰/۱۶۵ مثبت و معنادار و در حد پایین است. رابطه‌ی وضعیت سرپرستی و کار کودکان، در ۹ فرضیه‌ی بررسی شده، معادل ۰/۲۴۹ مثبت و معنادار و اندازه‌ی اثر آن تقریباً پایین است. رابطه‌ی مهاجرت و کار کودکان در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده، معادل ۰/۲۹۳ مثبت و معنادار است. متغیر مستقل مزبور با اندازه‌ی اثر تقریباً پایین بر کار کودک اثر دارد. نتایج اثرات تصادفی رابطه‌ی سابقه‌ی محکومیت در خانواده و کار کودک، در ۵ فرضیه‌ی بررسی شده، معادل ۰/۲۵۴ مثبت و معنادار و در حد تقریباً پایین است. دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سطح تحصیلات والدین نیز با اثرات ترکیبی تصادفی به ترتیب ۰/۳۳۷ و ۰/۶۱۴، مثبت و معنادار است. براساس جدول تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن، متغیرهای یادشده‌ی بالا، در سطح پایین یا به عبارتی ضعیف و متوسط رو به بالا بر کار کودک اثر می‌گذارند. با توجه به میانگین شدت تأثیر این متغیرها، به ترتیب اهمیت سطح تحصیلات و اعتیاد به مواد مخدر والدین به عنوان عوامل مؤثر بر میزان کار و خیابانی شدن کودکان مورد تأیید قرار گرفته‌اند. یافته‌ی فوق نشان می‌دهد که از میان سطوح کلان، میانی و خرد اجتماعی، سطح میانی در بروز پدیده‌ی کودکان کار و خیابان بیشترین اثرگذاری را دارد. همان‌گونه که در نظریه‌ورزی- های موجود اجتماعی نیز از نگاه نظریه‌ورزان دور نمانده است. در نظریه‌ی آنومی خانواده‌ی گود به بی‌سازمانی خانواده توجه شده است (قائمی، ۱۳۶۶: ۵۹). می‌توان اعتیاد والدین را یکی از موقعیت‌هایی دانست که نشانگر وضعیت وجود آنومی در خانواده است که در آن والد معتاد، نسبت به انجام وظایف والدگری خود قادر نخواهد بود یا آن را به شکلی کامل تر در حد خانواده‌های عادی یا غیرمعتاد، به انجام برساند. بدین ترتیب عدم ایفای صحیح نقش‌های خانوادگی به ویژه نقش‌های والدگری در اثر اعتیاد به مواد مخدر می‌تواند بر خیابانی شدن کودکان و بروز پدیده‌ی کودک کار مؤثر واقع گردد. در همین سطح، نظریه‌ی ارتباط بین وضعیت خانوادگی، نقش‌ها و هنجارهای بیتز نیز به وضعیت‌های مختلف نقش‌های «پدر» و «مادر» توجه نشان داده است که دارای نقش‌های بارز و وظایف و مسئولیت‌های مخصوص به خود هستند (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). طبق این نظریه، اگر پدر یا مادر به دلایلی همچون اعتیاد نقش‌های خود را به خوبی ایفا نکنند؛ فرزندان در سنین پایین مجبور هستند نقش آنان مانند نقش نان‌آوری و تأمین معاش زندگی را برعهده گیرند.

بعد از متغیرهای اعتیاد والدین و تحصیلات، متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، بیکاری والدین، مهاجرت، وجود سابقه‌ی محکومیت در خانواده، وضعیت سرپرستی و آزار کودکان توسط والدین بر خیابانی شدن و کار کودکان اثر گذاشته‌اند. کمترین میزان تأثیر متغیرهای مستقل مورد بررسی، بر کار و خیابانی شدن کودکان نیز به متغیر بعد خانوار مربوط بوده است.

به نحوی که می‌توان گفت، میزان اثرگذاری آن‌ها ناچیز بوده است. با در نظر گرفتن نتایج تحقیق که نشانگر اثرگذاری ویژگی‌های خانوادگی بر کار کودکان است، اقدامات در راستای کاهش، حذف یا حمایت از کودکان کار می‌تواند در راستای «توانمندسازی»^۱ خانواده‌های کودکان کار صورت پذیرد. راهبردی که امروزه در آخرین اسناد جهانی و بنا بر تجارب متعدد به طور قوی مورد پذیرش است. راهبرد مزبور، به مصداق آموزش ماهی‌گیری و حتی توربافی به جای ماهی دادن به خانواده‌های کودکان کار است که در پی ظرفیت‌سازی در خانواده برای حل مشکلات‌ها با اندیشه، منابع و بازوی خود آن‌هاست. توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار می‌تواند در ابعاد مختلف اقتصادی (همچون اشتغال یا درآمد شخصی و قدرت مدیریت مادی و مالی، قدرت پس انداز کردن، توانایی دریافت و بازپرداخت وام)، اجتماعی (سرمایه اجتماعی و مشارکت در زندگی همگانی، توانایی برقراری ارتباط فراتر از جامعه‌ی محلی و...)، فرهنگی (بالا بردن سطح تحصیلات، مهارت‌های زندگی و...)، روانی (احساس قدرت، افزایش خودآثربخشی، امیدواری و عزت نفس)، و جسمانی نمود می‌یابد. در این میان، توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار از نظر تعلیم و آموزش و افزایش سطح درآمد و توان مالی [با در نظر داشتن اثرگذاری سطح تحصیلات و اعتیاد والدین] از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. تجارب جهانی در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دولتی یا با مجری‌گری سمن‌ها نیز مفید و کارساز بودن اقدامات در جهت توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار را به نمایش می‌گذارد. از آن جمله، می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهادی همچون؛ چایلدهوپ^۲ در کشورهای آفریقایی (مانند سیرالئون، اتیوپی، اوگاندا، تانزانیا و کنیا)، آسیایی (نیپال، بنگلادش و نیپال) و آمریکای جنوبی (پرو)؛ بنیاد فوکوس فیوچر^۳ که غالباً درصدد آموزش تجارت و بازاریابی به زنان خانواده‌های کودکان برمی‌آید؛ سازمان استریت چایلد^۴ و همچنین سازمان نگران برای کودکان کار (سی‌دبلیوسی)^۵ در شهر بنگلور^۶ هندوستان و ... اشاره کرد. علاوه بر موارد بالا، وجود متغیرهای تعدیل‌کننده در تحقیقات و شدت کم یا زیاد این متغیرها می‌تواند آغازی بر چرایی و چگونگی تأثیرات باشد. علاوه بر این، متغیرهای دیگری غیر از

1- Empowerment

2- Childhope

قابل دسترسی در <https://www.childhope.org.uk/our-work/the-issues/street-children>

3- Future Focus Foundation (FFF)

4- Street Child

قابل دسترسی در <https://www.street-child.ch/news/freetown-6-months>

5- The Concerned for Working Children (CWC)

قابل دسترسی در <https://www.concernedforworkingchildren.org>

6- Bangalore

متغیرهای مطرح شده را می‌بایست مدنظر داشته و صرفاً بر این فرضیه‌ها اکتفا نشود. به ویژه اینکه غالب متغیرهای اثرگذار بررسی شده در مطالعات پیشین، سطح میانی یعنی سطح خانواده را مدنظر قرار داده‌اند و از بررسی و شناسایی عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سطح کلان عاجز بوده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق با نظریات مطروحه در حوزه‌ی بی‌سازمانی و آنومی در سطح خانواده هم‌راستا و منطبق است.

با مدنظر قرار دادن یافته‌های حاصل از پژوهش و ضرورت‌های انجام مطالعات فراتحلیل، پیشنهاد می‌شود که شرایطی فراهم آید تا ارزیابی مقالات علمی-پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در فرایند داوری از جهت ساختار و محتوا موردتوجه واقع شود. چرا که این اقدام، زمینه را برای ایجاد خطا و اشتباه کاهش می‌دهد و شرایط برای ایجاد دقت علمی در مطالعات بعدی فراهم می‌شود. علاوه بر این، بستر و شرایط لازم برای انباشتگی تحقیقات و انجام مطالعات ثانویه همچون فراتحلیل ایجاد می‌گردد. جهت رسیدن به چنین مقصودی ضرورت دارد که مطالعات کمی، تمامی اجزای تحقیق اعم از روش تحقیق، روش نمونه‌گیری، تعداد نمونه‌ها، شاخص‌های آماری مرتبط و... را به دقت گزارش دهند و ارزیابان مقالات و پایان‌نامه‌های دانشجویی، آن‌ها را به شکلی متقن مورد واکاوی و ارزیابی قرار دهند. در این صورت می‌توان از حجم انبوه تحقیقات انجام شده در باب پدیده‌های اجتماعی مختلف به روش کمی، بهره برد.

منابع

- اپتکار، لوئیس (۱۳۸۱). بازنگری وضعیت کودکان خیابانی در جهان در حال توسعه. ترجمه‌ی نقی سبحای. *مجله اصلاح و تربیت*، ۱۱ و ۱۲، ۲۳-۲۱.
- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳. *مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ۱۹(۲)، ۱۱۸-۹۹.
- احمدی، شهربانو (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه‌ی شاخص امید به آینده‌ی کودکان کار خیابانی و کودکان منطقه‌ی ۱۲ و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران) (پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)).
- افشانی، علیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد و نوریان نجف‌آبادی، محمد (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۴)، ۴۸-۱۲.

- ایمانی، نفیسه و نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۱). مطالعه انسان‌شناسانه‌ی پدیده‌ی کودکان کار خیابانی در شهر کرج. *مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۳۲-۷.
- بیکر، ترز اول (۱۳۸۹). *روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی*. ترجمه و اقتباس هوشنگ نایبی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- جیمز، آلیسون؛ جنکس، کریس و پروت، آلن (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه‌پردازی درباره‌ی دوران کودکی)*. ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم‌آبادی و علیرضا کرمانی. تهران: ثالث.
- حسینی، حسن (۱۳۸۵). *کودکان کار و خیابان*. تهران: سلمان.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۴). *وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران*. رفاه اجتماعی، ۵(۱۹)، ۱۷۴-۱۵۵.
- دارابی، آزاد (۱۳۸۷). *بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی)*.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیف، سوسن (۱۳۶۸). *تئوری رشد خانواده*. تهران: دانشگاه الزهرا.
- قائمی، علی (۱۳۶۶). *آسیب‌ها و عوارض اجتماعی: ریشه‌یابی، پیشگیری، درمان*. تهران: انتشارات امیری.
- قربانی‌زاده، وجه‌ا... و حسن نانگیر، سید طه (۱۳۹۳). *راهنمای کاربردی فراتحلیل*. تهران: جامعه‌شناسان.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم*. تهران: انتشارات آن.
- معیدفر، سعید (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران*. تهران: سرزمین ما.
- نیازی، محسن (۱۳۷۸). *کودکان خیابانی*. تهران: ثامن الحجج.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷). *راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی*. تهران: سمت.
- Adonteng-Kissi, O. (2018). Parental perceptions of child labour and human rights: A comparative study of rural and urban Ghana. *Child abuse & neglect*, 84, 34-44.
- Aptekar, L. (1994). Street children in the developing world: A review of their condition. *Cross-Cultural Research*, 28(3), 195-224.

- Cooper, H., Hedges, L. V., & Valentine, J. C. (2009). The handbook of research synthesis and meta-analysis 2nd edition. In the Hand. of Res. Synthesis and Meta-Analysis, 2nd Ed. (pp. 1-615). Russell Sage Foundation.
- Hecht, T. (2000). search of Brazil's street children. In C., Panter-Brick, & M. T., Smith (Eds.). In *Abandoned children* (pp. 146-160). (2000). Cambridge University Press.
- Kilbride, P. Collette, S. and Enos, N. (2001). *Street children in Kenya: voices of children in search of a childhood*. Westport. United States: Praeger Press.
- Kulik, J. A. (2003). *Effects of using instructional technology in elementary and secondary schools: What controlled evaluation studies say*. Arlington, VA: sri International.
- Merton, R. K. (1938). Social structure and anomie. *American sociological review*, 3(5), 672-682.
- Ortega, L. (2011). *Doing synthesis and meta-analysis in applied linguistics*. Invited workshop at Tsing Hue University. Taipei.
- Wright J, & D. Kaminsky (1993). Health and social conditions of street children in Honduras. *American Journal of Diseases of Children*, 147(3), 279-283.

Meta-Analysis of Studies on the Factors Affecting the Emergence of Child Labour and Street Children

Ahdieh Asadpour¹ & Mansoreh Azam Azadeh²

Received: 13 Sep 2020

Accepted: 20 Jan 2021

Abstract

The present meta-analysis seeks to re-analyze a series of studies on child labour and street children and enumerate their strengths and weaknesses. The present study, providing a statistical summary of the previous research in the field of child labour and street children, seeks an overall estimate of the factors affecting this variable. Accordingly, this study uses a documentary meta-analysis research method and the statistical population of the study includes all valid scientific studies that have been published during the years 1381 to 1398 on the subject of child labour and street children. Finally, 15 documents suitable for performing a meta-analysis were selected and analyzed using CMA2 software. The analysis of the severity of the combined effects showed that the variables of parental education level and drug addiction with the combined effects of 0.614 and 0.541, respectively, affected the average rates of child labour and street children.

Keywords: child labour and street children; meta-analysis; parental addiction; parental education level.

1-PhD Student in Sociology, Alzahra University, (corresponding author),
ahdieehasadpour7503@gmail.com

2-Associate Professor of Sociology, Alzahra University, m.azadeh@alzahra.ac.ir